

خلاصه گزارش هوش مصنوعی مولد: هوش مصنوعی و آینده مشاغل

تهیه شده توسط صندوق بین المللی پول در سال ۲۰۲۴



هوش مصنوعی (AI) پتانسیل تغییر اقتصاد جهانی به ویژه در حوزه بازار کار را دارد. اقتصادهای پیشرفته زودتر از اقتصادهای در حال توسعه و نوظهور، مزایا و مشکلات هوش مصنوعی را تجربه خواهند کرد، عمدتاً به این دلیل که ساختار اشتغال آنها بر نقش‌های مبتنی بر مهارت‌های شناختی متمرکز است. هوش مصنوعی برای برخی از اقشار بیشتر کاربرد دارد. زنان و دانش‌گامان آمادگی بیشتری برای بهره‌مندی از مزایای هوش مصنوعی دارند. شاغلین مسن‌تر به طور بالقوه، کمتر قادر به انطباق با فناوری‌های جدید هستند. سناریوهای گوناگونی برای آینده مشاغل در مواجهه با هوش مصنوعی مطرح است. به عنوان مثال گسترش ناعدالتی در پرداخت دستمزدها یکی از سناریوهای محتمل در این زمینه است به این صورت که گسترش هوش مصنوعی معمولاً به افزایش درآمد دهک‌های بالای جامعه می‌انجامد. با این حال، اگر افزایش بهره‌وری در سطح کلان، بزرگ باشد، سطح درآمد عمومی برای اکثر شاغلین افزایش می‌یابد. در این چشم‌انداز در حال تحول، اقتصادهای پیشرفته و توسعه‌یافته‌تر باید بر ارتقای چارچوب‌های نظارتی و سیاست‌های حمایتی تمرکز کنند. در این شرایط لازم است اقتصادهای کمتر توسعه‌یافته و نوظهور، توسعه مهارت‌ها و زیرساخت‌های دیجیتال را در اولویت قرار دهند.

این گزارش تحولات مشاغل در پی گسترش هوش مصنوعی را در سناریوها، شرایط و زمینه‌های مختلف بررسی می‌کند و همچنین به توصیف تبعات اقتصادی و اجتماعی فراگیر شدن هوش مصنوعی در جوامع می‌پردازد.

هوش مصنوعی (AI) در آینده، عاملی کلیدی در مسیر افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی است؛ اما پیش‌بینی دقیق تاثیرات اقتصادی و اجتماعی آن در حال حاضر امکان پذیر نیست و بر اساس نقش‌های شغلی و بخش‌های گوناگون اقتصادی و همچنین کشورهای مختلف، متفاوت است و پتانسیل افزایش نابرابری‌ها را دارد.

هوش مصنوعی عامل تحول جهانی

گسترش هوش مصنوعی (AI) اقتصاد جهانی را عمیقاً تغییر می‌دهد؛ به طوری که برخی از تحلیلگران این پدیده را یک انقلاب صنعتی جدید می‌دانند. تاثیرات اقتصادی و اجتماعی هوش مصنوعی در جوامع، با توجه به ماهیت تحول‌گرای این پدیده به سادگی قابل پیش‌بینی نیست. خصوصاً در زمینه آینده بازار مشاغل، هوش مصنوعی به مثابه شمشیری دولبه عمل می‌کند که از یک سو با افزایش بهره‌وری و کارایی، درآمد شاغلین را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر می‌تواند در نقش یک عامل تهدیدکننده برای مشاغل فعلی ظاهر شود و در آینده بسیاری از مشاغل را نابود کند. پیش‌بینی می‌شود هوش مصنوعی حدود ۴۰ درصد از مشاغل در سطح جهان را تحت تاثیر قرار دهد. مشاغل در اقتصادهای پیشرفته، بیشتر در معرض خطر مواجهه با هوش مصنوعی هستند؛ در عین حال اما، اقتصادهای پیشرفته، بیشتر از اقتصادهای کمتر توسعه یافته و در حال توسعه، برای بهره‌برداری از مزایای هوش مصنوعی آماده هستند.

اگرچه بسیاری از اقتصادهای کمتر توسعه یافته و نوظهور ممکن است آسیب‌های کمتری را از گسترش هوش مصنوعی تجربه کنند، اما از سوی دیگر، به دلایل ساختاری، برای استفاده از فرصت‌ها و مزایای هوش مصنوعی آمادگی کمتری دارند. بنابراین، در چنین شرایطی، هوش مصنوعی می‌تواند شکاف دیجیتالی و نابرابری سطح پرداخت را بین کشورها تشدید کند.

فراگیر شدن هوش مصنوعی در صنایع می‌تواند منجر به رشد درآمد برای اکثر شاغلین در این حوزه شود. شاغلین جوان و دارای تحصیلات دانشگاهی دارند کمتر در معرض آسیب از نابودی مشاغل در اثر گسترش هوش مصنوعی هستند زیرا در شرایط بحرانی، آمادگی بیشتری برای جابجایی شغلی دارند. از سوی دیگر اما، شاغلین مسن تر و فاقد تحصیلات عالی ممکن است در برابر تحولات شغلی ناشی از هوش مصنوعی آسیب پذیرتر باشند.

این گزارش بیان می‌کند، استفاده بهینه از ظرفیت‌های هوش مصنوعی، با سطح توسعه اقتصادی کشورها در ارتباط است. شاخص جدید آمادگی هوش مصنوعی نشان می‌دهد

که اقتصادهای پیشرفته و توسعه یافته تر باید ضمن طراحی چارچوب‌های لازم برای بهینه‌سازی منافع حاصل از گسترش هوش مصنوعی، در نوآوری و یکپارچه‌سازی هوش مصنوعی در صنایع مختلف سرمایه‌گذاری کنند. از آن سو اما، برای اقتصادهای کمتر توسعه یافته و نوظهور، توسعه زیرساخت‌های لازم و ایجاد نیروی کار ماهر دیجیتال بسیار مهم است.

❖ مواجهه هوش مصنوعی با مشاغل

هوش مصنوعی با تخصیص مجدد نیروی کار و سرمایه، به عنوان عاملی کلیدی در مسیر جهش تولید محسوب می‌شود که در عین حال باعث ایجاد تغییرات عمیق بالقوه در بسیاری از مشاغل و بخش‌ها می‌شود. هوش مصنوعی فرصت‌های جدیدی را برای حل مشکلات پیچیده و افزایش دقت در پیش‌بینی‌ها و تصمیم‌گیری، افزایش رشد اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی ارائه می‌دهد. با این حال، دقیقاً به دلیل کاربرد وسیع و انعطاف‌پذیر آن در حوزه‌های متعدد، پیامدهای آن برای اقتصادها و جوامع نامشخص است. هوش مصنوعی طیف گسترده‌ای از فناوری‌ها را نشان می‌دهد که برای توانمندسازی ماشین‌ها برای درک، تفسیر، عمل و یادگیری با هدف تقلید از توانایی‌های شناختی انسان طراحی شده‌اند. در سراسر این طیف، هوش مصنوعی مولد (GenAI) شامل سیستم‌هایی مانند مدل‌های پیچیده زبان بزرگ است که می‌توانند با یادگیری از داده‌های آموزشی گسترده، محتوای جدیدی از متن تا تصویر ایجاد کنند. در مقابل، سایر مدل‌های هوش مصنوعی، تخصصی‌تر هستند و بر کارهای مجزا مانند شناسایی الگو تمرکز می‌کنند. در همین حال، اتوماسیون با تمرکز بر بهینه‌سازی وظایف تکراری برای افزایش بهره‌وری به جای تولید محتوای جدید مشخص می‌شود. حوزه هوش مصنوعی به ویژه با ظهور GenAI که کاربردهای بالقوه هوش مصنوعی را گسترش داده است، تحول سریعی را تجربه می‌کند. این نشان می‌دهد که تأثیر آن برای تغییر کارکرد مشاغل گسترش خواهد یافت. یکی از ابعاد مهمی که می‌بایست در نظر گرفته شود، مبحث مقبولیت اجتماعی هوش مصنوعی است. مقبولیت ممکن است بسته به موقعیت‌های شغلی متفاوت باشد. در برخی از مشاغل ممکن است به طور مداوم از ابزارهای توسعه یافته توسط هوش مصنوعی استفاده شود، در حالی که در برخی دیگر ممکن است به دلیل نگرانی‌های فرهنگی، اخلاقی یا عملیاتی، استفاده از هوش مصنوعی با مقاومت روبرو شود. این دوگانگی به طور مشخص در بازارهای کار آشکار می‌شود. اگرچه هوش مصنوعی ظرفیت کاربردهای تولیدمحور را دارد، اما تأثیر آن در همه بخش‌ها یکسان نخواهد بود. در برخی از بخش‌هایی که نظارت انسانی بر هوش مصنوعی ضروری است، می‌تواند بهره‌وری کارگران و تقاضای نیروی کار را تقویت کند. برعکس، در سایر بخش‌ها، هوش مصنوعی ممکن است راه را برای جابجایی شغلی قابل توجه هموار کند. با این حال، افزایش بهره‌وری کلی می‌تواند تقاضای اقتصادی را تقویت کند و به طور بالقوه فرصت‌های شغلی بیشتری را برای اکثر متقاضیان در اثر موج رشد اقتصادی ایجاد کند. علاوه بر این، این تحول همچنین می‌تواند منجر به ظهور بخش‌ها و موقعیت‌های شغلی جدید شود.

هوش مصنوعی این باور را به چالش می‌کشد که فناوری عمدتاً مشاغل متوسط و در برخی موارد با مهارت‌های پایین را تحت تأثیر قرار می‌دهد: الگوریتم‌های پیشرفته هوش مصنوعی اکنون می‌توانند نقش‌های با مهارت بالا را که قبلاً از اتوماسیون مصون بودند را تقویت یا جایگزین کنند. در حالی که امواج تاریخی اتوماسیون و ادغام فناوری اطلاعات عمدتاً بر وظایف معمول تأثیر می‌گذارد، قابلیت‌های هوش مصنوعی به عملکردهای شناختی گسترش می‌یابد و آن را قادر می‌سازد تا حجم وسیعی از داده‌ها را پردازش کند، الگوها را تشخیص دهد و تصمیم بگیرد. در نتیجه، حتی مشاغل با مهارت بالا که قبلاً به دلیل پیچیدگی و اتکا به تخصص‌های پیچیده که در برابر اتوماسیون مصون بودند، اکنون در معرض آسیب هستند.

در این گزارش ضمن مرور ادبیات این حوزه، چارچوب مفهومی گسترش هوش مصنوعی و تأثیرات آن بر مشاغل ارائه می‌شود و تلاش می‌کند مواجهه مشاغل با هوش مصنوعی و همپوشانی داشتن آن‌ها را بررسی کند. در ادامه این گزارش، میزان آمادگی هوش مصنوعی کشورها ارزیابی شده و سپس پیشنهادهای سیاستی در این زمینه ارائه می‌شود. این گزارش یک چارچوب مفهومی متداول را برای اندازه‌گیری بهتر میزان مواجهه مشاغل با هوش مصنوعی و میزان همپوشانی داشتن آن‌ها با هوش مصنوعی تعریف می‌کند. بر همین اساس، این گزارش میزان مواجهه و همپوشانی داشتن مشاغل با هوش مصنوعی را با سه شاخص می‌سنجد. این سه شاخص عبارتند از: «مواجهه زیاد با هوش مصنوعی و همپوشانی زیاد»، «مواجهه زیاد با هوش مصنوعی و همپوشانی کم» و «مواجهه کم با هوش مصنوعی».

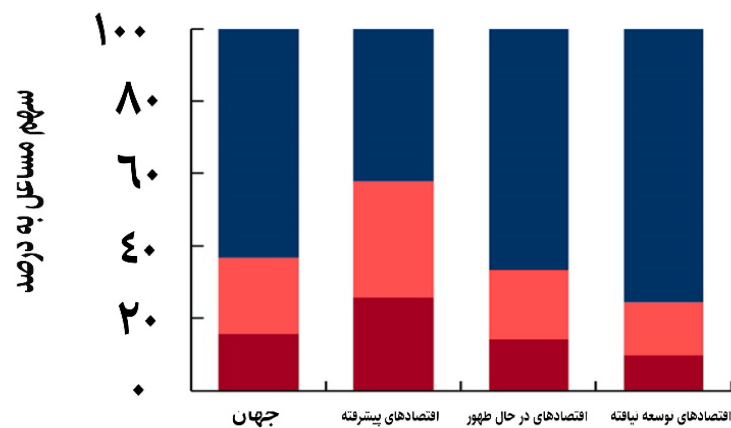
این طبقه‌بندی تفاوت‌های کلی در بین مشاغل را از منظر مواجهه با هوش مصنوعی و پتانسیل همپوشانی هوش مصنوعی با آن‌ها برجسته می‌کند. مشاغل دارای مواجهه زیاد با هوش مصنوعی و همپوشانی کم با آن، پتانسیل قابل توجهی برای رشد بهره‌وری را دارند؛ زیرا هوش مصنوعی می‌تواند به شاغلین در بهبود عملکرد و تصمیم‌گیری‌ها کمک کند در حالی که هوش مصنوعی نمی‌تواند جایگزین این مشاغل شود. از سوی دیگر اما، احتمال جایگزینی مشاغل دارای مواجهه و همپوشانی زیاد با هوش مصنوعی با این پدیده بیشتر است. این موضوع می‌تواند منجر به کاهش تقاضای نیروی کار و کندتر شدن روند رشد دستمزدها برای این طیف از مشاغل شود. بازاریابی تلفنی نمونه بارزی از این دسته از مشاغل است. در آخر نیز مشاغل دارای مواجهه کم با هوش مصنوعی حداقل کاربرد را برای استفاده از هوش مصنوعی دارند.

افزایش نابرابری در دستمزد در مشاغل مختلف از جمله چالش‌هایی است که در اثر گسترش هوش مصنوعی در آینده ایجاد می‌شود. این پدیده در اثر افزایش بهره‌وری شغلی در شرکت‌هایی که در ادغام هوش مصنوعی با برخی از موقعیت‌های شغلی موفق‌تر هستند، اتفاق می‌افتد. به این صورت که با افزایش بهره‌وری در آن شرکت و حذف طیفی از مشاغل بوسیله هوش مصنوعی امکان پرداخت دستمزدهای بالاتر برای کارکنان فراهم می‌شود و این موضوع نابرابری پرداخت را در مشاغل مختلف را تشدید کند.

در دسته‌بندی جغرافیایی شاخص‌های مطرح‌شده، اقتصادهای پیشرفته نسبت به اقتصادهای نوظهور و کشورهای کم‌درآمد سهم بیشتری از مشاغل دارای مواجهه زیاد با هوش مصنوعی (با همپوشانی کم یا زیاد) دارند. در اقتصادهای پیشرفته به طور متوسط، ۲۷ درصد از مشاغل، مشاغل دارای مواجهه و همپوشانی زیاد با هوش مصنوعی هستند. همچنین در این دسته از اقتصادها، ۳۳ درصد از مشاغل در رده مشاغل دارای مواجهه زیاد با هوش مصنوعی و همپوشانی کم با آن هستند. در اقتصادهای درحال ظهور اما، مشاغل دارای

مواجهه و همپوشانی زیاد با هوش مصنوعی ۱۶ درصد و شاغل دارای مواجهه زیاد با هوش مصنوعی و همپوشانی کم با آن ۲۴ درصد کل مشاغل را تشکیل می‌دهند. در اقتصاد توسعه نیافته نیز این درصدها به ترتیب ۸ درصد و ۱۸ درصد کل مشاغل است.

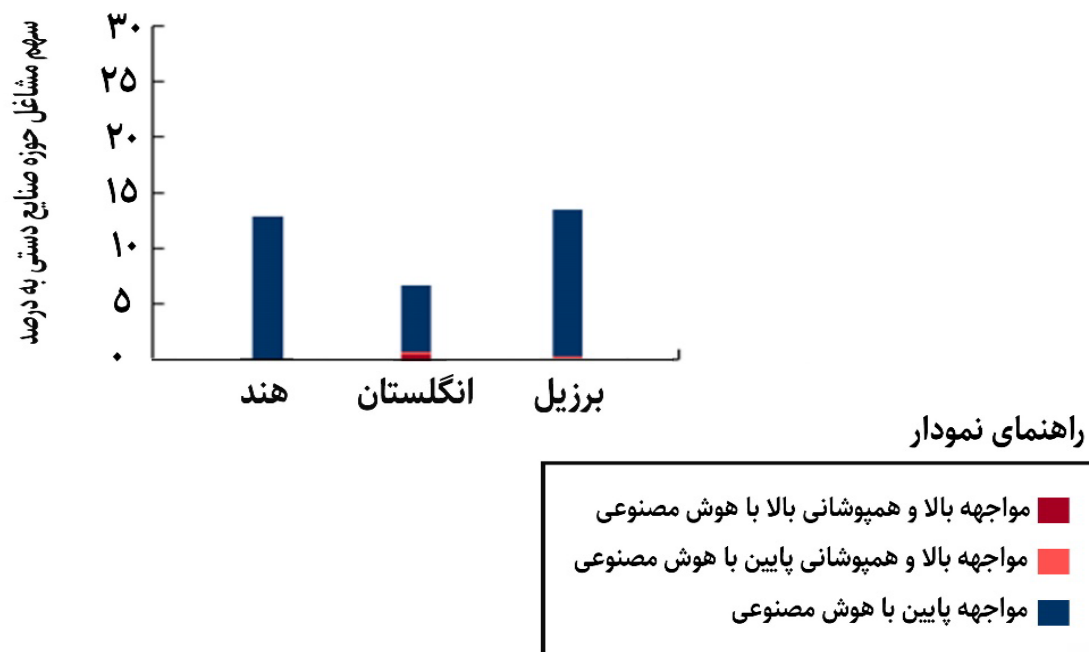
شکل شماره ۱: سهم مشاغل در مواجهه با هوش مصنوعی و همپوشانی با آن



راهنمای نمودار

- مواجهه بالا و همپوشانی بالا با هوش مصنوعی
- مواجهه بالا و همپوشانی پایین با هوش مصنوعی
- مواجهه پایین با هوش مصنوعی

شکل شماره ۲: سهم مشاغل حوزه صنایع دستی در مواجهه با هوش مصنوعی و همپوشانی با آن در کشورهای منتخب



این یافته‌ها نشان می‌دهد که اقتصادهای پیشرفته نسبت به اقتصادهای در حال ظهور و اقتصادهای کشورهای کم درآمد در بازه زمانی کوتاه و قابل پیش‌بینی، بیشتر در معرض تغییرات بازار کار در مواجهه با هوش مصنوعی هستند.

در بحث جمعیت‌شناختی از منظر جنسیت، یافته‌ها نشان می‌دهد مواجهه زنان و کارکنان تحصیل کرده با هوش مصنوعی بیشتر از سایر شاغلین است. در بیشتر کشورها، تمایل زنان برای استخدام در مشاغلی که مواجهه بیشتری با هوش مصنوعی دارند، بیشتر است. سطوح بالای مواجهه با هوش مصنوعی در مشاغل نشان می‌دهد برخلاف روند ماشینی شدن، هوش مصنوعی می‌تواند به شدت بر شاغلین با مهارت بالا تأثیر بگذارد.

❖ تخصیص مجدد شاغلین در تحولات ناشی از پذیرش هوش مصنوعی

در بلندمدت، شاغلین با تغییر تقاضای مهارت‌های مختلف و تغییرات بازار کار سازگار خواهند شد. البته باید این نکته را پذیرفت که این موضوع زمان خواهد برد. تجزیه و تحلیل تغییرات ناشی از مواجهه و همپوشانی مشاغل با هوش مصنوعی باید در سطح شغلی انجام شود؛ به این معنا که بواسطه ماهیت متفاوت هر شغل نتایج مختلفی حاصل می‌شود. پذیرش هوش مصنوعی در آینده برخی از مشاغل را از بین می‌برد، در برخی از مشاغل جابجایی شغلی بوجود می‌آورد و برخی دیگر را ایجاد یا تقویت می‌کند. بررسی روندهای تاریخی جابجایی‌های شغلی نشان می‌دهد شاغلین دارای تحصیلات دانشگاهی همواره توانایی بیشتری برای انتقال به مشاغل دارای مواجهه بیشتر با هوش مصنوعی داشته‌اند.

پذیرش هوش مصنوعی در مشاغل چالش‌هایی را ایجاد می‌کند، اما دارای فرصت‌های بسیاری برای شاغلین جوان تحصیل کرده است. شاغلین دارای تحصیلات دانشگاهی اغلب در دهه ۲۰ و ۳۰ سالگی خود از مشاغل دارای مواجهه کم با هوش مصنوعی به مشاغلی که مواجهه بیشتری با این پدیده دارند جابجا می‌شوند. این مسیر پیشرفت شغلی معمولاً از اواخر دهه ۳۰ تا اوایل ۵۰ سالگی تثبیت می‌شود؛ زمانی که آنها معمولاً به پست‌های ارشد رسیده‌اند و تمایل کمتری برای تغییر شغل خود دارند. اما شاغلین بدون تحصیلات دانشگاهی مسیر شغلی متفاوتی دارند. مسیر پیشرفت شغلی در این دسته از شاغلین معمولاً زمان بیشتری می‌گیرد و معمولاً در موقعیت‌های شغلی با مواجهه بالا با هوش مصنوعی قرار نمی‌گیرند.

از نظر تاریخی، شاغلین مسن‌تر سازگاری کمتری با پیشرفت‌های فناوری نشان داده‌اند. هوش مصنوعی ممکن است چالشی مشابه برای این گروه جمعیتی ایجاد کند. از نظر جابجایی شغلی نیز، برای این گروه سنی فرصت‌های کمتری در بازار کار وجود دارد. زیرا با توجه به تحولات سریع مشاغل ناشی از پیشرفت هوش مصنوعی ممکن است شرکت‌ها سرمایه‌گذاری در آموزش مهارت‌های جدید به شاغلینی که به دلیل سن، با افق شغلی کوتاه‌تری دارند را مفید ندانند. شاغلین مسن‌تر نیز خود معمولاً تمایل کمتری برای فراگیری مهارت‌های شغلی دارند.

در مجموع، همانطور که هوش مصنوعی بازار کار را دستخوش تغییرات اساسی می‌کند، شاغلین احتمالاً با تغییر تقاضای شغلی در بازار کار سازگار خواهند شد اما این

شیوه سازگاری بر اساس سن و تحصیلات متفاوت است.

❖ تاثیر هوش مصنوعی بر اقتصاد مشاغل

در این بخش، تأثیر بالقوه پذیرش هوش مصنوعی بر اقتصاد مشاغل و عدالت در پرداخت‌ها ارزیابی می‌شود. گسترش پذیرش هوش مصنوعی در بازار کار از ۳ طریق بر اقتصاد مشاغل تأثیر می‌گذارد: (۱) جابجایی نیروی کار، (۲) همپوشانی داشتن با مشاغل، و (۳) افزایش بهره‌وری. این سه عامل برای سنجش تأثیر بالقوه پذیرش هوش مصنوعی ضروری هستند. اولاً، پذیرش هوش مصنوعی ممکن است وظایفی را که قبلاً توسط نیروی کار انجام می‌شد به هوش مصنوعی واگذار کند و منجر به کاهش درآمد نیروی کار قبلی شود. دوم، پذیرش هوش مصنوعی ممکن است اهمیت وظایفی را که امکان همپوشانی با هوش مصنوعی را ندارند، افزایش دهد؛ به ویژه در مشاغلی که مکمل کار انسانی و هوش مصنوعی است. این منجر به تغییر ارزش افزوده و تقاضای نیروی کار به سمت این دسته از مشاغل می‌شود. سوم، پذیرش هوش مصنوعی ممکن است با افزایش بهره‌وری در مشاغل به افزایش سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی، جهش تولید و در نتیجه افزایش تقاضای کلی نیروی کار شود.

در اقتصادهای در حال توسعه و نوظهور و همچنین اقتصادهای توسعه نیافته که نابرابری اقتصادی بیشتری دارند، گسترش ناگهانی هوش مصنوعی می‌تواند شکاف‌های طبقاتی را تقویت کرده و اختلاف سطح دستمزدها را تا حد زیادی افزایش دهد، اما اگر مواجهه با هوش مصنوعی به صورت تدریجی، گسترده و مدیریت شده باشد، این اثرات را کاهش می‌دهد.

❖ آمادگی هوش مصنوعی

آمادگی برای پذیرش هوش مصنوعی برای استفاده از ظرفیت‌ها و کاهش آسیب‌های آن ضروری است. تغییرات ناشی از پذیرش هوش مصنوعی در بازار مشاغل می‌تواند نتایج متفاوتی را در کشورهای مختلف در پی داشته باشد، به ویژه در مورد تخصیص مجدد شغلی و نابرابری در پرداخت‌ها. این نتایج متنوع با چارچوب‌های ساختاری و نهادی کشورها در ارتباط است. از روندهای تاریخی پذیرش فناوری می‌توان نتیجه گرفت، سطح آمادگی یک کشور در به حداکثر رساندن مزایای هوش مصنوعی و مدیریت ریسک‌های منفی ناشی از آن، نقشی اساسی دارد. اقتصادهای پیشرفته و برخی از اقتصادهای نوظهور، عموماً نسبت به کشورهای کم درآمد و توسعه نیافته برای پذیرش هوش مصنوعی آمادگی بیشتری دارند.

اولویت‌بندی اصلاحات زیرساخت‌های دیجیتالی در کشورها باید همسو با سطح آمادگی هوش مصنوعی باشد. در این زمینه لازم است بین آمادگی نسل اول پذیرش هوش مصنوعی (زیرساخت دیجیتال و سرمایه انسانی آماده برای پذیرش هوش مصنوعی) و آمادگی نسل دوم پذیرش هوش مصنوعی (نوآوری و چارچوب‌های قانونی) تمایز قائل شد. برای اقتصادهای با مواجهه بالا با هوش مصنوعی که آمادگی نسل اول پذیرش هوش مصنوعی را دارند (اقتصادهای پیشرفته و برخی از اقتصادهای بازار نوظهور)، لازم است بر تقویت ظرفیت نوآوری دیجیتال و تطبیق چارچوب‌های قانونی و اخلاقی خود تاکید بیشتری داشته باشند. بر این اساس، در اقتصادهای پیشرفته، تلاش برای بهبود در چارچوب‌های تنظیم‌گری که برای گسترش اعتماد اجتماعی به ابزارهای هوش مصنوعی ضروری است، امری مهم تلقی می‌شود. از سوی دیگر اما، در اقتصادهای توسعه نیافته و برخی از اقتصادهای در حال ظهور که آمادگی هوش مصنوعی ضعیف‌تری دارند، لازم است در جهت ایجاد آمادگی نسل اول پذیرش هوش مصنوعی (زیرساخت دیجیتال و سرمایه انسانی آماده برای پذیرش هوش مصنوعی) تلاش شود.

👍 نتایج و پیشنهادهای سیاستی

پذیرش هوش مصنوعی می‌تواند تغییراتی اساسی در بازار کار کشورهای مختلف ایجاد کند. یافته‌های این گزارش بخش مهمی از مشاغلی که در جهان در مواجهه با هوش مصنوعی قرار می‌گیرند و در این مواجهه، بسته به میزان همپوشانی با هوش مصنوعی در انجام وظایف، دستخوش تغییراتی می‌شوند را نشان می‌دهد. نتایج بیان می‌کند در اقتصادهای پیشرفته مشاغل مواجهه بیشتری با هوش مصنوعی دارند و از این جهت در مقایسه با اقتصادهای نوظهور و کمتر توسعه یافته، با فرصت‌ها و تهدیدهای بیشتری نیز روبرو می‌شوند. این موضوع نشان‌دهنده شکاف عمیق بین پیشرفت‌های دیجیتالی و عدم وجود عدالت اجتماعی در جوامع است.

زنان، به دلیل حضور بیشتر در بخش‌های خدماتی و شاغلین با تحصیلات دانشگاهی، به دلیل حضور بیشتر در مشاغل شناختی و پیچیده بیشتر از سایر گروه‌ها در مواجهه با هوش مصنوعی هستند؛ در عین حال بیشتر از سایر گروه‌های شغلی می‌توانند از فرصت‌های نوظهور در این عرصه استفاده کنند. شاغلین مسن‌تر از مواجهه مشاغل با هوش مصنوعی بیشتر از سایر گروه‌ها با مشکل مواجه می‌شوند.

هوش مصنوعی علاوه بر آن که می‌تواند سطح درآمدها را برای عده‌ای زیادی از شاغلین افزایش دهد، توزیع درآمد و ثروت در جوامع را به کلی تغییر می‌دهد. پیش‌بینی آنچه که دقیقاً اتفاق می‌افتد، به دلیل تحولات گذرا و سریع، در حال حاضر امکان‌پذیر نیست؛ اما سناریوهای مختلفی وجود دارد که نقطه اشتراک تمام این سناریوها در تغییر اساسی نظم فعلی در پرداخت دستمزدها است.

مدیریت پیامدهای گسترش هوش مصنوعی در جوامع، نیازمند یک رویکرد پیشگیرانه از سوی سیاست‌گذاران است که در جهت حفظ انسجام اجتماعی باشد. در حالی که در بلندمدت انتظار می‌رود، با گسترش هوش مصنوعی بهره‌وری مشاغل افزایش یابد، در کوتاه‌مدت، جابجایی شغل و تغییرات در توزیع درآمد می‌تواند پیامدهای اقتصادی و سیاسی قابل توجهی، خصوصاً برای اقتصادهای در حال ظهور و توسعه نیافته داشته باشد. شواهد نشان می‌دهد که فشارهای اقتصادی ناگهانی می‌تواند ثبات سیاسی را از بین برده و منجر به بروز ناآرامی‌های اجتماعی شود. سیاست‌های اجرایی در این زمینه باید ادغام تدریجی، عادلانه و اخلاقی هوش مصنوعی در مشاغل را ترویج کنند و در عین حال نسل بعدی شاغلین را با فناوری‌های جدید آموزش دهند.

فكر